

گنجینه طلایی

آیین دادرسی مدنی (۱)

مؤلف:
امیر یعقوبی

سرشناسه: یعقوبی، امیر.

عنوان و نام پدیده آور: گنجینه طلایی آیین دادرسی مدنی (۱)

مشخصات نشر: اصفهان: پیام دانشگاهی، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۲۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۶-۲۴۵-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۱۰/۳

آدرس: اصفهان- میدان دس. مجتمع تجاری هاتف نشر و پخش پیام دانشگاهی

تلفن: ۰۳۱-۳۴۳۳۶۳۵۰

آدرس سایت: www.pnu-pub.com

عنوان کتاب: گنجینه طلایی آیین دادرسی مدنی (۱)

ناشر: پیام دانشگاهی

مؤلف: امیر یعقوبی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۹۴

چاپ: سبحان

لیتوگرافی: پارسا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۶-۲۴۵-۸

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-216-245-8

کلیه حقوق اثر محفوظ و متعلق به کتابفروشی همشهری می باشد. (انتشارات پیام دانشگاهی)

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه

اهداف یادگیری	۵
درخت حافظه	۶
درس به صورت مفهومی همراه با سؤالات تفکیکی	۷
سؤالات تألیفی همراه با پاسخ	۱۰
سؤالات امتحانی همراه با پاسخ	۱۱
نکات کلیدی	۱۳

بخش اول. سازمان قضاوتی ایران

اهداف یادگیری	۱۵
درخت حافظه	۱۶
درس به صورت مفهومی همراه با سؤالات تفکیکی	۲۱
سؤالات تألیفی پایانی همراه با پاسخ	۶۷
سؤالات امتحانی همراه با پاسخ	۶۹
نکات کلیدی	۹۳

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

بخش دوم: دعوا، شرایط اقامه و انواع آن

اهداف یادگیری.....	۹۷
درخت حافظه.....	۹۸
درس به صورت مفهومی همراه با سؤالات تفکری.....	۱۰۱
سؤالات تألیفی پایانی همراه با پاسخ.....	۱۲۰
سؤالات امتحانی همراه با پاسخ.....	۱۲۱
نکات کلیدی.....	۱۳۵

بخش سوم: صلاحیت مراجع، تقویتی و اختلاف در صلاحیت

اهداف یادگیری.....	۱۳۹
درخت حافظه.....	۱۴۰
درس به صورت مفهومی همراه با سؤالات تفکیکی.....	۱۴۳
سؤالات تألیفی پایانی همراه با پاسخ.....	۱۵۹
سؤالات امتحانی همراه با پاسخ.....	۱۶۰
نکات کلیدی.....	۱۷۱
سؤالات امتحانی سال‌های گذشته همراه با پاسخنامه.....	۱۷۳

مقدمه

هدف‌های یادگیری

دانشجو پس از مطالعه‌ی این بخش خواهد گرفت:

۱. آیین دادرسی مدنی را تعریف کند.
۲. فایده آیین دادرسی مدنی را بیان نماید.
۳. محتوای آیین دادرسی مدنی را بیان نماید.
۴. ویژگی‌های قوانین آیین دادرسی مدنی را از جهت تخییری یا امری بودن بر اساس مقررات مربوط به سازمان قضاوتی بیان نماید.
۵. ویژگی‌های قوانین آیین دادرسی مدنی را از جهت تخییری یا امری بودن بر اساس مقررات مربوط به صلاحیت بیان نماید.
۶. ویژگی‌های قوانین آیین دادرسی مدنی را از جهت تخییری یا امری بودن بر اساس محتوای خاص آیین دادرسی مدنی بیان نماید.
۷. ویژگی‌های قوانین آیین دادرسی مدنی را از جهت عطف به ماسبق شدن یا نشدن بر اساس مقررات سازمان قضاوتی بیان نماید.
۸. ویژگی‌های قوانین آیین دادرسی مدنی را از جهت عطف به ماسبق شدن یا نشدن بر اساس مقررات مربوط به صلاحیت بیان نماید.
۹. ویژگی‌های قوانین آیین دادرسی مدنی را از جهت عطف به ماسبق شدن یا نشدن بر اساس معنی خاص آیین دادرسی مدنی بیان نماید.



مقدمه

تعریف، فایده و دستوای
آیین دادرسی مدنی

تعریف آیین دادرسی مدنی

فایده آیین دادرسی مدنی

محتوای آیین دادرسی مدنی

ویژگی‌های قوانین
آیین دادرسی مدنی

از جهت امری یا تخییری بودن

مقررات مربوط به سازمان قضاوتی

مقررات مربوط به صلاحیت

مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای خاص

مقررات مربوط به سازمان قضاوتی

مقررات مربوط به صلاحیت

مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای خاص

از جهت عطف به ماسبق شدن یا نشدن



درس به صورت مفهومی

(۱) تعریف، فایده و محتوای آیین دادرسی مدنی

(۱-۱) تعریف آیین دادرسی مدنی:

در ذیل پس از تعریف آئین دادرسی مدنی، آئین دادرسی کیفری و اداری را نیز مورد بحث قرار می‌دهیم:

- **آیین دادرسی مدنی:** تضییع حق دیگران، انکار آن، اگرچه ممنوع است، اما، جز در مواردی که تصریح شده باشد، ممنوعیت به قید مجازات نبوده و بنابراین جرم شمرده نمی‌شود. در این صورت، مدعی حق، در صورتی که برای احقاق یا شناسایی حق خود مایل به اقدام قانونی باشد، باید در مراجع صالحه قضای حقوقی، علیه فاعل اقامه دعوا نماید. در این صورت، چون «اختلاف حقوقی» به مفهوم اعم، «مدنی» است، خراسان در مقام اقامه دعوا و تعقیب آن، خوانده در مقام دفاع و مرجع صالح در مقام رسیدگی و صدور رأی، اصول و قواعدی را باید رعایت نمایند که «آیین دادرسی مدنی» نامیده می‌شود.

- **آیین دادرسی کیفری:** در مواردی قانون‌گذار تضییع و انکار حقوق دیگران را به قید مجازات ممنوع کرده و جرم شمرده است. برای مثال، تجاوز به ملک دیگران، سرقت و صدور چک بلامحل نه تنها ممنوع است بلکه این ممنوعیت ضمانت اجرای کیفری دارد، بدین معنا که متجاوز، سارق یا صادرکننده چک، افزون بر اینکه ملزم به جبران خسارت است، مستحق مجازات نیز می‌باشد. بنابراین در اینجا «اختلاف حقوقی»، به مفهوم اعم، «کیفری» است و در نتیجه دارنده حق، می‌تواند با طرح شکایت کیفری علیه متجاوز، سارق یا صادرکننده چک در مراجع صالحه اقدام نماید. اصول و قواعدی که طرفین شکایت و مرجع صالح در این خصوص باید رعایت نمایند «آیین دادرسی کیفری» خوانده می‌شود.

- **آیین دادرسی اداری:** در مواردی تضییع یا انکار حقوق دیگران توسط دولت یا تشکیلات عمومی غیردولتی (شهرداری)، از جمله به ادعای واهی

حق که قانون‌گذار، من حیث هو، به آنها داده، صورت می‌گیرد؛ در این حالت چون «اختلاف حقوقی» به مفهوم اعم، «اداری» شمرده می‌شود، مدعی حق در مقام طرح «شکایت» و طرف مقابل در مقام پاسخ به آن و مرجع صالح در مقام رسیدگی و صدور رأی، اصول و قواعدی را باید رعایت نمایند که «آیین دادرسی اداری» خوانده می‌شود.

- **ماده ۱ ق.آ.د.م:** «آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعای مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند، به کار می‌رود.»

- آیین دادرسی مدنی نه تنها در دعای حقوقی، موضوع پرونده‌های حقوقی بلکه در طرح، دفاع و رسیدگی به جنبه‌ی حقوقی امور کیفری نیز علی‌الاصول باید رعایت شود.

- البته در مواردی قانون‌گذار بر قاعده فوق استثنائاتی وارد نموده است. در حقیقت، علاوه بر محکومیت به پرداخت دیه در حق مجنی علیه، که به هر حال جنبه مدنی نیز دارد، در جرایمی مانند سرقت، تصرف عدوانی و ... چون به موجب قانون، دادگاه، ضمن صدور حکم باید در هر حال نسبت به حق متضرر از جرم نیز رسیدگی و حکم صادر نماید، متضرر از جرم برای احقاق حق خصوصی خویش در موارد فوق تکلیفی به تقدیم دادخواست در پرونده کیفری نداشته و بنا بر این دعای حقوقی به معنای اخص و در نتیجه رعایت آیین دادرسی مدنی در این قبیل موارد مطرح نمی‌شود.

- رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی در رسیدگی به آن دسته از امور مدنی باید لازم باشد که رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوا بوده و امور «ترافعی» خوانده می‌شوند. بنابراین رسیدگی به امور حسبی، اصولاً نمی‌بایست مشمول این مقررات شود.

نکته: سوال: آیا می‌توان آیین دادرسی مدنی را به عنوان حقوق عام آیین دادرسی در امور غیرکیفری به شمار آورده و بنابراین در رسیدگی به تمام امور حقوقی، به مفهوم عام در تمام مراجع قضای، چنانچه ترتیب خاص پیش‌بینی نشده باشد، آن را لازم‌الرعايه دانست؟

جواب: براساس ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی، رعایت این قانون در سایر مراجع موقوف به تصریح قانون است. در عین حال چنانچه برای رسیدگی به امر غیر کیفری در مرجع قضایی، ترتیب خاصی، جزئاً یا کلاً پیش‌بینی نشده باشد، قانون آیین دادرسی مدنی بر اقدامی که مستند قانونی نداشته یا مستند به قانون دیگری است پذیرفتنی است.

۲-۱) فایده آیین دادرسی مدنی:

– آیین دادرسی مدنی با پیش‌بینی محاکم و حل مراجعه‌ی مدعیان حق به آنها، صلاحیت و اقتداری کم و بیش استثنایی، رسیدگی و صدور حکم و اجرای آن به محاکم داده است تا بتوانند قانونی یا عرفی بودن هر موقعیتی را بررسی نموده و عملی نمودن و اجرای حقه را، هر جا مورد مناقشه قرار گرفت، فراهم کنند. بنابراین آیین دادرسی استیجاب بخش حقوق و همچنین راهی است که الزاماً برای اجرای حق، در مواردی که حق مورد مناقشه قرار می‌گیرد، باید برگزیده شود و در نتیجه، «حقوق تضمین کننده» به شمار می‌رود.

– حقوق تعیین‌کننده: آن دسته از قواعد و مقررات حقوقی که حقوق و تعهدات اشخاص و حدود آن را تعیین می‌نماید.

– حقوق تضمین‌کننده: آن دسته از قواعد و مقررات حقوقی را که ضمانت اجرای حقوق تعیین‌کننده را بر عهده دارد و تضمین‌کننده احقاق حقوق تعیین‌کننده باشد.

۳-۱) محتوای آیین دادرسی مدنی:

آیین دادرسی مدنی به مفهوم اعم واژه شامل موارد ذیل است:

محتوای اول (سازمان قضاوتی): شامل مواردی است که تشکیل مراجع مختلف قضاوتی اعم از قضایی (حقوقی و کیفری) و اداری را پیش‌بینی کرده و سازمان و ترکیب آن را مشخص می‌سازد. بررسی این دسته از اصول و مقررات مستلزم بررسی قوانین مربوط به سازمان قضاوتی ایران می‌باشد. دسته‌های مختلف مراجع قضاوتی، سازمان و تشکیلات آنها، سلسله مراتب و ارتباط آنها با یکدیگر، مقررات استخدامی و انتظامی قضات و همچنین

بررسی اشخاص وابسته به دادگستری، موضوع مقرراتی است که مقررات «سازمان قضاوتی» نامیده می‌شود.

محتوای دوم (صلاحیت): شامل مواردی است که صلاحیت مراجع قضاوتی را پیش‌بینی می‌نماید و شامل دو دسته مقررات است، مقررات صلاحیت ذاتی مراجع قضاوتی که با توجه به صنف، نوع و درجه آن مشخص می‌شود و مقررات صلاحیت نسبی (محلی).

محتوای سوم (آیین دادرسی به معنای اخص): شامل مواردی است که شیوه تنظیم دادخواست، ابلاغ آن، ارائه دلایل، رسیدگی به دعوا، صدور حکم، طرق شکایت از آرای دادگاهها و اجرای آنها را پیش‌بینی می‌نمایند.

۲) ویژگی‌های قوانین آیین دادرسی مدنی

آیین دادرسی مدنی دو ویژگی دارد، آمره بودن و تشریفاتی بودن. در حقیقت تشریفاتی بودن آن برای حمایت اصحاب دعوا در برابر خودکامی قاضی و به عنوان تضمین آزادی دفاع اصحاب دعواست. حال به توضیحاتی در این باره می‌پردازیم:

۱-۲) از جهت امری یا تخییری بودن آنها:

در مورد امری یا تخییری بودن آیین دادرسی مدنی، موضوع را در دسته‌های مقررات آیین دادرسی مدنی بررسی می‌کنیم.

۱-۱-۲) مقررات مربوط به سازمان قضاوتی: آمره هستند.

مثال: در آیین دادرسی مدنی، دادگاه تجدیدنظر استان باید، با شرکت دو قاضی تشکیل گردیده و اقدام رسیدگی و صدور رأی نماید. پس اگر در رسیدگی و صدور رأی بیش از یک قاضی اقدام ننموده باشد، رأی صادره قانونی نمی‌باشد، حتی اگر اصحاب دعوا در این مورد اعتراضی نکرده باشند.

۲-۱-۲) مقررات مربوط به صلاحیت: صلاحیت ذاتی آمره و صلاحیت نسبی (محلی)، علی‌الاصول مخیره‌اند.

نکته: از آنجا که وضع مقررات صلاحیت محلی، علی‌الاصول، برای آسانی دفاع خواننده است اصحاب دعوا در توافق خلاف آن باید مخیر باشند.

۳-۱-۲) مقررات آیین دادرسی به معنای اخص: آمده هستند.

مثال: مهلت تجدیدنظر نسبت به حکم دادگاه عمومی در حال حاضر برای اشخاص مقیم ایران، ۲۰ روز است و چنانچه دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت قانونی تقدیم گردید، ولو طرف مقابل اعتراض ننموده و یا حتی راضی باشد، مرجع صالح، به همان علت قرار رد دادخواست را صادر و اعلام می‌نماید.

۲-۲) از جهت عطف به ماسبق شدن یا نشدن:

قوانین ماهوی (قانون مدنی، قانون تجارت و...) عطف به ماسبق نمی‌گردند و قوانین شکلی اصولاً عطف به ماسبق می‌گردند مگر آنکه با حق مکتسبه اشخاص برخورد داشته باشند.

حال موضوع را در سه دسته مقررات آیین دادرسی محلی، ملی و فدرال بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۲-۲) مقررات مربوط به سازمان قضای: عطف به ماسبق می‌گردند.

نکته: به علت اثر فوری قوانین، شامل دعاوی مطروحه نیز می‌گردند و عطف به ماسبق می‌شوند.

مثال: اگر در جریان رسیدگی به دعوی، قانونی لازم‌الاجرا شود که تعداد قضاات دادگاهی را از ۲ نفر به ۳ نفر یا ۱ نفر تغییر دهد.

۲-۲-۲) مقررات مربوط به صلاحیت: صلاحیت ذاتی عطف به ماسبق می‌شوند ولی صلاحیت محلی (نسبی) اصولاً عطف به ماسبق نمی‌گردند مگر اینکه در خود این قوانین یا قانون دیگری ترتیبی غیر از این مقرر شود.

۳-۲-۲) مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص: اصولاً عطف به ماسبق می‌شوند مگر در مواردی که عطف به ماسبق نمودن آنها، به حقوق مکتسبه افراد خلل وارد آورد.

مثال: چنانچه به موجب قانون جدید، قابلیت شکایت از حکمی زایل شود این قانون عطف به ماسبق نگردیده و بنابراین شامل احکامی که در

زمان لازم‌الاجرا شدن قانون قدیم صادر شده نمی‌گردد. در حقیقت، با صدور حکم، حق شکایت از حکم را محکوم علیه به دست آورده و قانون لاحق نمی‌تواند به کیفیتی اجرا شود که موجب سلب این حق گردد.

نکته: از آنجا که دیوان عالی کشور، اختلاف و ماهیت دعوا را مورد قضاوت قرار نمی‌دهد بلکه رأی فرجام خواسته را با توجه به مقررات لازم‌الاجرای زمان صدور رأی، مورد قضاوت قرار می‌دهد، پس مقررات لاحق، در دیوان عالی کشور مورد عنایت قرار نمی‌گیرد، اما چنانچه رأی نقض شود، دادگاه مرجوع‌الیه مکلف به اجرای مقررات جدید، با شرایط مطالعه شده، خواهد بود.